

Components of Confessional Style in Shahla Zarlaki's *Eteraf-Baz* and the Representation of Social Issues Related to Women and Family

Fatemeh Sadat Taheri^{1*}, Elaheh Azarbaijani²

¹ (Corresponding author) Associate Professor of Persian Language and Literature Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan. Kashan. Iran, Email: taheri@kashanu.ac.ir

² PhD student in Persian language and literature .Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan. Kashan. Iran, Email: azarbayjanielahe@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:

Received: 2026-02-01

Accepted: 2026-06-07

Keywords:

Social Issues Concerning Women

Confessional Literature
Autobiographical Writing
Shahla Zarlaki

Eteraf-Baz

Content and Structural Features

ABSTRACT

Confessional literature is a literary genre that explicitly articulates the author's thoughts and the hidden details of their personal life and inner world. Since many human actions and reactions are influenced by prevailing social events and traditions, confessions not only reflect an individual's thoughts and inner experiences but also reveal the social conditions and hidden ideologies of the society in which the confessor lives, thereby providing a means of understanding the author's society. This article examines the components of confessional style and the representation of social issues related to women and family in Shahla Zarlaki's *Eteraf-Baz*. Using a descriptive-analytical approach based on the text of *Eteraf-Baz*, the authors seek to answer the following questions: Which components of confessional literature can be identified in Zarlaki's confessional autobiography? And how does Zarlaki, by moving beyond certain social restrictions, articulate her turbulent self and her rebellious and resilient spirit, while also revealing her feminine sensitivity and tenderness? The findings show that, in her confessional autobiography, Zarlaki employs memoir and storytelling techniques and draws on fundamental components of confessional literature, including establishing connections with the historical context and recounting events; inward reflection and continuous evaluation of the self; revealing hidden aspects of life; articulating her lived experiences and cultural traditions; reflecting the influence of time and place on the formation of the narrator's identity; and exploring the body as a means of attaining self-knowledge. Through an intimate language, attention to detail, an interrogative structure, and the use of a first-person point of view, she presents her confessions from childhood to the age of eighteen, representing social issues concerning women, including femininity; personal, familial, and cultural factors that cause suffering and harassment for women in society; attention to historical background and family origins; the absence of an emotional relationship between spouses; and imposed silence.

Cite this article Taheri, F., Azarbaijani, E. (2026). Components of Confessional Style in Shahla Zarlaki's *Eteraf-Baz* and Representation of Social Issues Related to Women and Family therein. *Journal of Literary and Social Research*, 5(2), 95-110.



©The author(s)

Publisher: Goletsan University

Doi: 10.30488/sipl.2026.573463.1165



مؤلفه‌های سبک اعترافی در «اعتراف‌باز» شهلا زرلکی و بازنمایی مسائل اجتماعی مرتبط با زنان و خانواده در آن

فاطمه سادات طاهری^۱، الهه آذربایجانی^۲

^۱ (نویسنده مسئول)، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، رایانامه: taheri@kashanu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، رایانامه: azarbayjanielahe@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی	ادبیات اعترافی، گونه‌ای ادبی است که اندیشه‌ها و جزئیات پنهان زندگی شخصی و اندیشه‌های نویسنده را به‌صراحت تبیین می‌کند. از آن جا که بسیاری از کنش‌ها و واکنش‌های انسان تحت تأثیر وقایع و سنت‌های رایج اجتماعی است؛ پس اعترافات افزون بر انعکاس اندیشه‌ها و درونیات فرد، اوضاع اجتماعی و ایدئولوژی‌های پنهان جامعه اعتراف‌کننده را نیز بازتاب می‌دهد و می‌تواند محملی برای شناخت جامعه نویسنده باشد. مقاله حاضر، مؤلفه‌های سبک اعترافی و بازتاب موضوعات اجتماعی مربوط به زنان در کتاب <i>اعتراف‌باز</i> شهلا زرلکی را بررسی می‌کند. نگارندگان می‌کوشند به شیوه توصیفی-تحلیلی مبتنی بر متن <i>اعتراف‌باز</i> به این پرسش‌ها پاسخ دهند که کدام مؤلفه‌های ادبیات اعترافی در خود زندگینامه اعترافی زرلکی یافت می‌شوند؟ و زرلکی چگونه با عبور از برخی محدودیت‌های اجتماعی، خویشتن پرتلاطم و روحیه سرکش و مقاوم، اما لبریز از لطافت زنانه را تبیین کرده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد زرلکی کوشیده است در خود زندگینامه اعترافی خویش با روش‌های خاطره‌گویی و قصه‌گویی و با محوریت مؤلفه‌های اساسی ادبیات اعترافی؛ از قبیل ارتباط با بستر تاریخی و بیان حوادث، بازگشت درونی و ارزیابی مداوم «خود»، بیان جنبه‌های پنهان زندگی، تبیین تجارب زیسته خویش و سنت‌های فرهنگی، انعکاس تأثیر زمان و مکان بر شکل‌گیری هویت راوی، خوانش بدن و رسیدن به خودشناسی؛ اعترافات دوره کودکی تا هجده سالگی خود را که موضوعات اجتماعی زنان؛ مثل زنانگی؛ عوامل شخصی، خانوادگی و فرهنگی آزاردهنده زنان در جامعه؛ توجه به پیشینه تاریخی و اصالت خانوادگی، اشاره به فقدان رابطه عاطفی بین همسران، سکوت تحمیلی و... را بازنمایی می‌کند با زبان صمیمی، جزئی‌نگری، ساختار پرسشی و استفاده از زاویه دید اول شخص تبیین کند.
واژه‌های کلیدی: مسائل اجتماعی زنان ادبیات اعترافی خود زندگی‌نامه‌نگاری شهلا زرلکی، <i>اعتراف‌باز</i> ویژگی‌های محتوایی و ساختاری	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۱۷	
استناد: طاهری، فاطمه سادات؛ آذربایجانی، الهه (۱۴۰۵). مؤلفه‌های سبک اعترافی در «اعتراف‌باز» شهلا زرلکی و بازنمایی مسائل اجتماعی مرتبط با زنان و خانواده در آن. <i>فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی و اجتماعی</i> ، ۵ (۲)، ۹۵-۱۱۰.	
ناشر: دانشگاه گلستان © نویسندگان.	Doi: 10.30488/sipl.2026.573463.1165

مقدمه

یکی از نکات قابل توجه در بررسی گونه‌های ادبی در زبان فارسی، ورود برخی انواع ادبی غربی است که در ادبیات فارسی جایگاهی نداشته‌اند، خاصاً فرهنگ غرب هستند و به اشکال دیگری باید آن‌ها را در ادبیات فارسی جست‌وجو کرد. ادبیات اعترافی، به عنوان یکی از مصادیق این موضوع، در فرهنگ دینی و ادبیات غرب، جایگاه ویژه‌ای داشته است. «متن اعترافی در زمره ناداستان قرار می‌گیرد و ناداستان، نوعی نوشتار است که هدف آن انتقال وفادارانه چیزی است که بر اساس واقعیت اتفاق افتاده است. حقیقی بودن روایت در ناداستان، بر تمامی عناصر دیگر اولویت دارد. ناداستان‌ها به دنیای واقعی متکی‌اند. هدف اصلی آن‌ها، انتقال اطلاعات به مخاطب است؛ این اطلاعات می‌تواند به شکل‌های متفاوت علمی، تاریخی، تجربی، فلسفی و مشاهدات شخصی و درونی باشد. تاریخ شکل‌گیری ناداستان به پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد» (انوشه، ۱۳۷۶: ۷۸۰). اعتراف همواره با خوداتهامی و بر ملا کردن زوایای پنهان زندگی خود و دیگران همراه است و پیروی از لغزش‌ها در آن به شکلی بارز نمود می‌یابد. نقطه آغاز اعتراف در فرهنگ غرب را می‌توان در سلوک سقراط با مدعیان دانایی و اعتراف آنان به نادانی یافت. نخستین کسی که آگاهانه به زندگی‌نامه خویش پرداخته، ایسوکراتس^۱، خطیب یونانی، با کتاب *دفاعیات* بوده است. بسیاری او را که از شاگردان سقراط بوده، بزرگ‌ترین معلم تاریخ یونان می‌دانند. با این همه، به اعتقاد بسیاری از منتقدان، نخستین زندگی‌نامه خودنوشت بالارزش، اعترافات آگوستین قدیس است.

پس از میلاد مسیح هم این رویکرد با اعترافات آگوستین، روحانی قرن چهارم میلادی، بازتاب بیشتری یافت. آگوستین، اعترافات را برای طلب آموزش از سوی خداوند و مطابق آموزه‌های تجویزی آیین مسیح نوشته است. ادبیات اعترافی با ظهور اعترافات روسو در قرن هجدهم به گرایشی جدی تبدیل شد. اعترافات روسو، اعتراف در برابر انسان است و به شیوه رمان نزدیک‌تر است. بعدها با نگارش *اعترافات یک تریاکی/انگلیسی* (۱۸۲۱)، نوشته کوئینسی^۲، سقوط اثر کامو^۳ و *مالوی و مالون می‌میرد* اثر بکت^۴ (ر.ک. بی‌نیاز، ۱۳۸۶: ۲۰)، رمان اعترافی به صورت رویکردی غالب در رمان‌نویسی مدرن نهادینه شد و رفته‌رفته وارد رمان‌نویسی ایران شد؛ برای نمونه می‌توان به شما که غریبه نیستید مرادی کرمانی و حرف و سکوت کیانوش اشاره کرد. «در رمان اعترافی بر نگرش و درون‌گرایی شخصیت و بر روند گسترش وضعیت و موقعیت او در زندگی، مذهب و هنر تأکید می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۹: ۵۲۴-۵۲۵). ادبیات اعترافی، به معنای امروزی و به پیروی از فرهنگ غرب، پس از مشروطه به ایران وارد شد.

این ژانر به دو دلیل اختناق و وجود هراس در جامعه و فروتنی اندیشمندان ایرانی که به دلیل توجه به رعایت حریم خصوصی که ریشه در فرهنگ ایرانی دارد، علاقه‌ای به پرداختن به زندگی خود نداشته‌اند در ایران بسیار دیرتر از گونه‌های دیگر زندگی‌نامه‌نویسی رواج یافت. «با وجود آنکه گونه اعترافی در ایران ناشناخته بوده است؛ اما می‌توان ردپای آیین اعتراف را در ایران باستان دنبال کرد. در ایران باستان و تحت‌تأثیر مسیحیان در قرون وسطی، تکلیف شرعی به نام گیتی‌خرید و توبه‌نامه‌هایی وجود داشته است که گناهکاران با خواندن آن‌ها نزد موبدان به گناه خویش اقرار می‌کرده‌اند» (بی‌نیاز، ۱۳۸۶: ۲۰).

«به هر حال، به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، قدیمی‌ترین زندگی‌نامه خودنوشت در ایران، *زندگینامه خودنگاشت ابوعلی سیناست* که آن را بر شاگردان خود املا می‌کرده و نمونه دوم، *المنقذ من الضلال* که اعتراف گونه است. این کتاب، شرح احوال و سرگشتگی امام محمد غزالی و حالات درونی اوست. غزالی در بیان تحولات روحی خود، فلسفه و کلام و مذاهب باطنی را رد می‌کند و تنها راه نجات خود را پیروی از تصوف می‌داند.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۸۲).

1. Isocrates
2. Thomas De Quincey
3. Albert Camus
4. Samuel Beckett

اعتراف، مسئله‌ای شخصی و درونی است اما در عین حال جهان بیرون را هم هدف می‌گیرد. ایدئولوژی حاکم بر گفتمان سنتی، زن را موجودی منفعل و تحت سلطه مردان می‌داند و برای زن، نقش‌های گذشت و فداکاری و پذیرش را ارائه کرده است (طاهری، ۱۳۸۸: ۹۳ و ۹۴). *اعتراف‌باز*، با رویکرد انتقادی، تعاریف متفاوتی از زنانگی و مادرانگی ارائه می‌کند؛ به طور مثال مادر در *اعتراف‌باز*، زنی معمولی است که گاه اشتباه می‌کند و از بار مسئولیت خسته می‌شود. در *اعتراف‌باز*، بسیاری از مسائل اجتماعی مربوط به زنان و خانواده بازتاب می‌یابد و ایده‌آل زنانه‌ای که در گفتمان سنتی و مردسالار تعریف شده است، تاحدی شکاف بر می‌دارد.

اعترافات، ثبت نوعی خطای اصلاح شده و تلاش راوی برای تثبیت مجدد ارزش‌های جمعی یا توجیه فقدان ارزش‌هاست و اعتراف زنانه روشی برای ارائه علنی خویشتن است که به جامعه زنان شکل می‌دهد (دهقان‌نژاد و همکار، ۱۴۰۰: ۳۷ و ۳۸). مقاله حاضر در پی بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های اعترافی و گفتمان زنانه در *اعتراف‌باز* شهلا زرلکی (ت. ۱۳۵۵)، به عنوان اولین نمونه اعتراف زنانه در ادبیات معاصر ایران است.

۱-۱ پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ادبیات اعترافی و بررسی گفتمان زنانه، تاکنون پژوهشی در بررسی مؤلفه‌های اعترافی در *اعتراف‌باز* زرلکی و بررسی گفتمان زنانه آن انجام نشده است. برخی تحقیقات، در حوزه اعتراف، درباره آثاری غیر از *اعتراف‌باز* عبارت‌اند از:

بهشتی (۱۳۸۶) در «فرایند شکل‌گیری خود روایی در *اعترافات* آگوستین» به فرایند فلسفی شکل‌گیری خود در *اعترافات* آگوستین پرداخته است؛ سیدی (۱۳۹۰) در «بررسی تطبیقی *اعترافات* روسو، غزالی و آگوستین» با نگاه تطبیقی به بررسی مؤلفه‌های اعترافی در سه اثر مذکور پرداخته است؛ قربانی و اسلامی (۱۳۹۱) در «جایگاه نوع ادبی اعترافات در ادبیات فارسی؛ با تکیه بر مقایسه *المنقذ من الضلال* با *اعترافات* آگوستین» با استناد به سه مؤلفه اساسی در ساختار *اعترافات* آگوستین، بر آن بوده‌اند که *المنقذ من الضلال* از لحاظ ساختاری با *اعترافات* آگوستین متفاوت است و جنبه اعترافی ندارد؛ ذوالفقارخانی (۱۳۹۸) در «بازتاب بن‌مایه‌های اعتراف و حسب‌حال در شعر انگلیسی و فارسی: بررسی سروده‌هایی از لول و سپهری» پیوندها و تأملات مشترک دو شاعر از دو سرزمین متفاوت را روشن گردانیده است و دهقان‌نژاد و قاسم‌زاده (۱۴۰۰) در «مؤلفه‌های اعترافی در رمان دکتر نون زرش را بیشتر از مصدق دوست دارد نوشته شهرام رحیمیان» به بررسی مؤلفه‌های اعترافی در این رمان پرداخته‌اند. با بررسی‌های انجام شده مشخص شد تا امروز پژوهشی درباره *اعتراف‌باز*، به عنوان اولین نمونه اعترافات زنانه در ادبیات معاصر ایران انجام نشده است و برای نخستین بار مؤلفه‌های اعترافی و گفتمان زنانه این اثر بررسی می‌شود.

۱. مبانی نظری

قبل از بررسی موضوع لازم است توضیحاتی درباره ادبیات اعترافی و پیشینه آن ارائه شود.

۱-۲ ادبیات اعترافی

ادبیات اعترافی، شاخه‌ای از ادبیات است و آثاری را در بر می‌گیرد که به گونه‌ای جزئیات پنهان زندگی‌نامه شخصی نویسنده را بازگو می‌کند. اعترافات، نوشته‌هایی هستند که نویسنده در آن، حقیقت را درباره خودی که بهتر از هر کسی می‌شناسد، بیان می‌کند. تنها معیار نویسنده در اعترافات، حقیقت عریان است؛ اما حقیقت محض نیست. آثار اعترافی سبک و ماهیت موضوعی و زمینه یکسان و مشخص ندارند و باید آن‌ها را از وجوه مختلف بررسی کرد. اعترافات ممکن است ماهیت دینی داشته باشند و پدیدآورندگان آن به قصد رهایی از عذاب وجدان ناشی از گناه و قصور دینی به اعتراف پرداخته باشند. این نوع اعترافات، بیشتر «توبه‌نامه» شمرده می‌شوند؛ مانند *اعترافات* آگوستین. دسته دیگری از

اعترافات وجود دارد که نویسنده با بیان جزئیات افکار و احوال خود، تمامی زشتی‌ها و اشتباهات زندگی و زمانه خود را بدون هراس از قضاوت دیگران برملا می‌کند. / *اعترافات* روسو^۱، سنگی برگوری، اعتراف‌باز و برخی اشعار فروغ فرخزاد و سیلوپلا^۲ در این دسته قرار می‌گیرند. در این اعترافات، هدف نویسنده، سبک شدن از بار سنگین اخلاقی است. اکستلم^۳ اعتراف را نوعی خودشناسی صادقانه و احساساتی معرفی می‌کند و معتقد است رمان اعترافی، شخصیتی را به تصویر می‌کشد که برخی از نقاط گذشته و عمیق‌ترین افکار خود را برای رسیدن به ادراکی صحیح از خود بررسی می‌کند (ر.ک. کادن، ۱۳۸۰: ۹۶).

گفتمان اعترافی در ایران، گفتمان مهجوری است که در سال‌های اخیر، پس از جلال آل احمد، نخستین بار، یک نویسنده زن ایرانی با نام شهلا زرلکی، برای واکنش تدافعی در برابر جهان محکوم‌کننده بیرون و محاکمه و تبرئه هم‌زمان خود به آن روی آورده است. در این گفتمان، زنان بیشتر از مردان تمایل به بیان مشکلات و اتفاقات زندگی خود دارند و معتقدند وقتی یک زن اعتراف می‌کند؛ نه تنها ضعف خود را نشان نمی‌دهد، بلکه قدرت خود را به نمایش می‌گذارد (ر.ک. میلز، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

در گفتمان اعترافی میان زبان مردان و زنان، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد و هرچه تمایز میان نقش‌های اجتماعی مردانه و زنانه در جامعه بیشتر باشد، تفاوت‌های زبانی بیشتر خواهد بود. میلز^۴ معتقد است در تحلیل آثار زنان بسیار مهم است که بدانیم راوی کیست، زاویه دید چگونه است، بیشتر از چه واژگانی استفاده شده است و آیا متن متأثر از جنسیت نویسنده بوده یا نه؟ (Mills, 2005: 86).

نظریه‌پردازان فمینیستی، درباره ویژگی‌های زبان زنانه و تفاوت آن با زبان مردان ویژگی‌هایی ذکر کرده‌اند. در این توصیف‌ها، زبان زنان را به‌شدت متأثر از موقعیت فروتر آن‌ها در جامعه مردسالار می‌دانند و اغلب بر تفاوت‌های واژگانی و نحوی زبان زنان و مردان تأکید می‌کنند و معتقدند زنان از واژه‌ها و صورت‌های نحوی ویژه خود استفاده می‌کنند (ر.ک. دسپ و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۲)؛ در حالی که «زبان‌شناسان، زبان مردانه را زبانی قدرتمند و زبان زنانه را زبانی حمایت‌طلب و مشارکت‌گرا توصیف کرده‌اند. جملات دستوری مردانه، مستقیم و با تحکم شدید بیان می‌شود و دستورهای زنانه بیشتر به صورت پیشنهادی و غیرمستقیم به کار می‌رود» (همان: ۱۲۰).

بنابراین نویسنده آثار اعترافی با حضور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق راوی- شخصیت یا دیگر راویان مختلف داستان، شخصیت واقعی یا لایه‌های پنهان شخصی و جمعی را بر ملا می‌سازد و با خوداتهامی و دگراتهامی به بازگویی خطاهای رفتاری و یا نیت‌های پنهان خود برای تصفیه باطنی یا تسکین دردهای روانی یا انتقال تجربه به نسل‌های بعد می‌پردازد.

۲. بحث اصلی

قبل از بررسی مؤلفه‌های سبک اعترافی در *اعتراف‌باز* زرلکی لازم است ابتدا این کتاب به اختصار معرفی می‌شود:

۳- ۱. معرفی کتاب *اعتراف‌باز*

اعتراف‌باز، نوشته شهلا زرلکی، خودزندگینامه‌ای اعتراف‌محور است که از آثار متأخر ادبیات اعترافی فارسی شمرده می‌شود. زرلکی با زبانی ساده، صمیمی، عامیانه و اول شخص به بیان بسیاری از جنبه‌های شخصی زندگی خود پرداخته است. کتاب با یک دفاعیه آغاز می‌شود و با دفاعیه دیگری به پایان می‌رسد؛ در این میان، هجده اعتراف وجود دارد که به استثنای قسمت‌هایی از اعتراف «خواب زمستانی ماده خرس قطبی»، همه شامل اتفاق‌های کودکی تا

1. Jean-Jacques Rousseau

2. Sylvia Plath

3. Peter Axthelm

4. Sara Mills

هجده سالگی نویسنده است. هر کدام از اعترافات، روایتی بر پایهٔ احوالات زندگی خصوصی نویسنده، بدون نظم زمانی و مکانی است که نویسنده کوشیده تا جایی که محدودیت‌های عرفی، اخلاقی و قوانین نشر اجازه می‌دهد، به زوایای پنهان زندگی خود بپردازد و از طریق آن به بسیاری از موضوعات زنانه اشاره کند و به نقد گفتمان مردسالار بپردازد. زرلکی راحت و صمیمانه با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و در ضمن روایت، بارها، با مخاطب سخن می‌گوید تا جایی که مخاطب را «تو» خطاب می‌کند.

زرلکی با زبانی مشارکت‌گرا و حمایتی، پس از ارائهٔ توضیحاتی دربارهٔ سبک اعترافی، صراحتاً به خواننده می‌گوید: «تکلیف را روشن کرده‌ام به خیال خودم. حالا می‌توانی تصمیم‌گیری به خواندن یا نخواندن» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۲).

۳-۲. واکاوی مؤلفه‌های اعترافی در اعتراف‌باز

برای شناخت مؤلفه‌های اعترافی زرلکی در *اعتراف‌باز* و بازنمایی ویژگی‌های جامعه‌ای که وی در آن می‌زیسته، لازم است شیوه‌های نویسنده برای تبیین اعترافات بررسی شود.

۳-۲-۱. روایت اعترافی و ارتباط آن با واقعیت‌های تاریخی

نویسنده در روایت‌های خود زندگینامه‌نگارانه با استناد به شواهد تاریخی به بیان حوادث زندگی خود می‌پردازد؛ درواقع، نویسنده قسمتی از تجارب گذشته و شواهد تاریخی را که برای خودش اهمیت خاصی دارد، از دیدگاه امروزی وارد اعترافات خود می‌کند. هیچ‌گاه نمی‌توان روایت زندگی را به عنوان سند تاریخی در نظر گرفت یا آن را در حدّ سند تاریخی فروکاست. راوی اعتراف، تاریخ واقعی یک دوره یا رخداد تاریخی خاص را معرفی نمی‌کند؛ بلکه واقعیت‌هایی از تاریخ را که به کارش می‌آید با حقیقت سوپژکتیو (ذهنی و درونی) خود در می‌آمیزد و بیان می‌کند و به عنوان شاهد ماجرا، صدای پیام شخصی خود را در آن هیأت بازتاب می‌دهد (ر.ک. اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۴۳ و ۴۴). «متن اعترافی، کارنامه‌ای است که به قلم خود فرد، دربارهٔ جنبه‌های بیرونی و درونی زندگی‌اش نوشته می‌شود و شامل محیط اجتماعی، اعمال، رفتار، ذهنیات، اندیشه‌ها و نفسانیات فرد است. این نوع ادبی-تاریخی قابلیت انعکاس موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ادبی یک دورهٔ خاص را دارد» (اسلامی، ۱۳۸۸: ۵). زرلکی نیز در متن زیر برای اشاره به حوادث زندگی خود، شواهد تاریخی مرتبط را تبیین می‌کند:

«شمیران نو، یک شمیران تقلبی است. شمیران نو از جایی در مرزهای جنوبی جنگل‌های لویزان شروع می‌شود و در جایی نزدیکی‌های شمال میدان رسالت تمام می‌شود. شصت و هفت سال پیش قرار بوده یک شمیران دوم واقعی بشود. اما نمی‌شود. اصلاحات تکه‌تکه‌اش می‌کند و هر تکه را به کسی می‌فروشد. آن همه آدم اوایل دههٔ چهل برای خوشبخت شدن از ده‌کوره‌هایشان به پایتخت می‌آیند، تا زیر پونزهای نقشه، زمینی ارزان پیدا کنند و شهری شوند. در همان زمان که شمیران نو در حال مردن است، شمیران کهنه آن بالا نزدیک آسمان و کوه شروع می‌کند به بزرگ شدن و روز به روز چاق و چله‌تر می‌شود مثل آدم‌هایش که روز به روز پولدارتر می‌شوند» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۳۴-۳۵).

۳-۲-۲. ارزیابی متداوم «خود» و تأثیر خانواده و شرایط اجتماعی در شکل‌گیری «خود»

کانت معتقد است «خود»، جهان را می‌آفریند. «خود با تأمل، نه تنها خودش، بلکه همهٔ خودها را می‌شناساند و ساختاری مشترک میان انسان‌ها دارد؛ بنابراین، با شناخت یک انسان مثل این است که همهٔ انسان‌ها را شناخته‌ایم» (سولومون، ۱۳۷۹: ۲۰). اعترافات برای نویسنده‌اش، نوعی تجربهٔ سفر انفسی یا درونی برای خودآگاهی و ایجاد امید به تغییر است و طبیعی است که دسترسی به ژرف‌ترین و شخصی‌ترین قسمت‌های ذهن یا ناخودآگاه نویسنده را ممکن

سازد؛ حتی سخنان راوی داستان‌هایی چون *یادداشت‌های زیرزمینی* که شخصیتی نابهنجار داشته‌اند، از مقولهٔ اعتراف شمرده می‌شوند. (ر.ک. اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۱۳۱-۱۳۳)

بنابراین، خواه راوی اعتراف را موثق بازگو کند یا ناموثق؛ چون به بازگشت نویسنده به درون خود منجر می‌شود و لایه‌های سطحی ناهشیار یا سطوح ژرف روانی راوی را به تصویر می‌کشد، به روان کاوی شباهت دارد؛ به عبارت دیگر در روایت اعترافی، نویسنده جنگ درونی خود را به نمایش می‌گذارد. ممکن است خواننده، خود را در هزارتوی عقده‌های روحی و روانی نویسنده ببیند؛ اما به تدریج با تراوشات ذهنی راوی همراه می‌شود و به اعماق نامکشوف شخصیت وی راه می‌یابد. با بررسی ژرف و روان کاوانهٔ این روایات، روشن می‌شود عواملی چون گسیختگی خانوادگی و تجارب دردناک و انواع آسیب‌ها و نابه‌سامانی‌های اجتماعی، معیشتی و... تأثیر قابل توجهی بر سلامت روان افراد جامعه می‌گذارد:

«سی سال است شعر می‌خوانم و ناخن می‌خورم. سی سال است عاشق می‌شوم، انتقام می‌گیرم، بی‌خوابی می‌کشم، دروغ می‌گویم، نفرت می‌ورزم، نقشه می‌کشم، مادری می‌کنم، تنبلی می‌کنم، می‌نویسم، ناخن می‌جویم و زندگی می‌کنم. در جاهای حساس زندگی، با دندان گوشت کنار ناخن را قلوئه‌کن می‌کنم. فردایش گوشت می‌آورد و خوب می‌شود. سی سال است گوشت کنار ناخن انگشت وسطی را می‌خورم و هر روز با حیرت به معجزهٔ سلول‌سازی نگاه می‌کنم. مامان حرص می‌خورد. زشت است به بچه‌ای چهل‌وسه‌ساله بگویی: ناخن نخور! مامان نمی‌داند که در سیزده‌سالگی، آرزو کرده‌ام تا هفتادسالگی بچه بمانم و بعد بمیرم. یک بچهٔ بی‌دندان با موهایی سفید که انگشت کج و چروکیده‌اش را در بستر احتضار می‌مکد تا بمیرد» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۶۵-۱۶۶).

۳-۲-۳. *جزئی‌نگری و قصه‌گویی*: قدرت بیشتر متن‌های خود زندگی‌نگاری، در گرو قصه‌گویی نویسنده است. در این ژانر، نویسنده با ارائهٔ جزئیات فراوان از زندگی زیستهٔ فردی و اجتماعی خود، تصویری حقیقی از زندگی و زمانهٔ خود عرضه می‌کند و با قصه‌گویی و بیان جزئیات، مطالب را بسط می‌دهد. اعتراف از زبان راوی اول شخص که قهرمان داستان است، بیان می‌شود و داشتن هر دو نقش راوی و قهرمان برای نویسنده باعث می‌شود محدودیت‌هایی چون ناتوانی در تشریح عقاید و خصوصیات درونی را نداشته باشد. طرح داستان در اعتراف، به دلیل مرحلهٔ کشف و شهود درونی نویسنده، باید ماهرانه پردازش شود و جذاب جلوه کند. در روایت‌های اعترافی غالباً روایت با قصه‌گویی همراه می‌شود. قصه‌ها بازنمایی‌هایی از خود، جهان و منش‌های مختلف را در بر می‌گیرد و یکی از کارکردهای روان‌شناختی پایه است. (ر.ک. اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۵۹). جزئی‌نگری زنانه در قصه‌گویی می‌تواند یکی از محورهای اخلاق مراقبت باشد. اسلامی معتقد است «جزئی‌نگری در اخلاق مراقبت این است که فرد نگرش واقع‌بینانه‌ای به مسائل دارد. اخلاق مراقبت منکر قواعد عام و کلی‌نگری است» (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۳). اخلاق مراقبت، اخلاق سنتی را به دلیل ارزش فراوانی که برای ویژگی‌های مردانه قائل است، نقد می‌کند و معتقد است ارزش‌هایی که زنانه خوانده می‌شوند، همچون ارتباط، وابستگی، توجه به احساسات، جزئی‌نگری و... در اخلاق سنتی مورد بی‌مهری واقع شده‌اند» (همان: ۱۴).

«شبی از شب‌های زمستان است و من نق می‌زنم. کتابم از ظهر افتاده آن‌جا. توی ظلمات اتاق بزرگه که شب‌ها جهنم و ظهرها بهشت است. آفتاب تنبل زمستان خودش را از لای پرده‌کرکره‌ها رد می‌کند و ولو می‌شود روی قالی‌های قرمز. ظهرها روی نور راه‌راه دراز می‌کشم و کیهان بچه‌ها می‌خوانم. تازه کشف کرده‌ام بعد از ظهرها، وقتی همه می‌خوابند، جهان جای قشنگ‌تری می‌شود. نفت کم است. کوپنی است. اتاق بزرگه را نمی‌شود گرم کرد. اتاق بزرگه محکوم شده به سردی و تاریکی. بعضی شب‌ها که آقا از دست خروپف مامان ذله می‌شود، بالشش را برمی‌دارد و می‌رود آن‌جا می‌خوابد. چادرنمازی چیزی می‌کشد رویش...» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۷۶).

۳-۲-۴. بیان جنبه‌های پنهان زندگی و رویکرد انتقادی نسبت به برخی واقعیت‌های فردی و اجتماعی

«خود زندگینامه‌نویس‌ها نمی‌توانند دروغ بگویند چون هرچه بگویند، حقیقتی را درباره آن‌ها افشا می‌کند. هر پاره‌گفتار در متن خود زندگی‌نامه‌ای، حتی اگر دقیق نباشد یا تحریف شده باشد، توصیف جنبه‌ای از شخصیت نویسنده است.» (اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۴۷) در اعتراف، نویسنده رفتارها و جزئیات ناپیدای زندگی خود، خطاهایی را که مرتکب شده و مؤلفه‌هایی از سلامت روانی خود را عامدانه انتخاب می‌کند و درباره آن‌ها می‌نویسد. در برخی موارد، به واسطه رویکرد انتقادی نویسنده به مسائل اجتماعی- فرهنگی و تأکید بر موضوع شکاف نسل‌ها روشن می‌شود که این عوامل چه نقش تعیین‌کننده‌ای بر سلامت روان افراد جامعه دارد (همان، ۱۴۰۱: ۵۹). درواقع، «پیش از آنکه هنر رفتار ما را شکل دهد، عادات ما خام؛ اما طبیعی بودند و تفاوت در رفتار ما در نخستین نگاه، تفاوت در شخصیت را اعلام می‌کند. نزاکت بی‌وقفه تقاضاهایش را مطرح می‌کند و آداب‌دانی فرمان می‌دهد؛ مردم از امور رایج متعارف پیروی می‌کنند؛ دیگر جرئت نمی‌کنند همان بنمایند که هستند و در این اجبار دائمی، انسان‌های تشکیل‌دهنده گله‌ای که جامعه نامیده می‌شود، اگر در شرایط یکسانی قرارگیرند همگی عمل واحدی انجام می‌دهند» (Cohn, 1984: 43-44).

«اعتراف می‌کنم ترسیده‌ام و می‌خواهم بازی را تمام کنم. بدبختی این‌جاست از تمام‌شدن که می‌ترسم هیچ، از جهان بعد از تمام‌شدن هم می‌ترسم. مثلاً همان تمام‌شدن اصل کاری، یعنی مرگ. دو سال پیش اتفاق عجیب و مسخره‌ای افتاد که حتم کردم دارم می‌میرم. دید یک چشمم ناگهان کم شد. وحشت‌زده لباس پوشیدم و خواستم زنگ بزنم به آشنایی بیاید ببردم بیمارستان. اما ناگهان وحشتی بزرگ‌تر به وحشت مرگ اضافه شد. یادم افتاد چیزهایی در خانه دارم که دوست ندارم کسی ببیند. چیزهایی را که نمی‌خواستم کسی ببیند برداشتم سربسته‌ام. می‌بینی چه قدر آدم اسیر است؟ اسیر ترس‌های حقیر. اسیر مرگ. اسیر آبروی ازدست‌رفته بعد از مرگ. اسیر چیزهایی که گفتنش ممنوع است. آدم زنده و مرده اسیر است. آدم اعتراف‌کننده اسیر اعترافاتش می‌شود. آدم دروغ‌گو زندانی دروغ‌هایش. بگویی و نگویی کارت گیر است. چه با دروغ‌های بی‌جا چه با راست‌های بدموقع. چه با سکوت چه با وراجی. می‌بینی دوست نادیده من! صداقت هم می‌تواند مخرب باشد چه برسد به دروغ!» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۸۳-۱۸۴).

۳-۲-۵. تبیین عقاید، سنن و مسائل فرهنگی- اجتماعی

ایدئولوژی، نظامی از باورها و عقاید است که بیان‌کننده نگرش و زاویه دید یک گروه اجتماعی نسبت به موضوعات مختلف است و در متون به صورت صریح یا ضمنی بازتاب می‌یابد. «زبان، ابزاری مهم برای برقراری و حفظ روابط و دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی است. هیچ متنی را نمی‌توان یافت که عاری از دیدگاه‌های شخصی نویسنده باشد؛ درواقع گفتمان خنثی و بی‌طرف وجود ندارد، بلکه ما با گفتمان‌ها یا متن‌های وابسته به شخص خاص، جناح خاص، ایدئولوژی خاص و فرهنگ خاص مواجه هستیم» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۰). روایت‌های اعترافی تنها قصه زندگی فرد را بازگو نمی‌کنند؛ در این نوع ادبی، گاه زندگی افراد به گونه‌ای بیان می‌شود که جنبه‌هایی از فرهنگ، سنت و گفتمان رایج در جامعه را نشان می‌دهند. نویسنده در ضمن بیان اعترافات و حوادث زندگی خود، با گردش ذهن بر روی باورها و گفتمان‌ها به تبیین موضوعات زمینه‌ای هم می‌پردازد؛ این مصداق همان است که جهان واقعی، همواره در پس‌زمینه روایت و داستان وجود دارد (ر.ک. اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۱۴۸ و ۱۴۹).

در تاریخ معاصر، زنان غالباً تحت تأثیر کشمکش میان دو گفتمان سنت و مدرنیته بوده‌اند. در نمونه زیر، زرلکی مصرانه می‌کوشد تا صدای نوع زن باشد و بگوید زن تقریباً اختیاری در زندگی خود ندارد. زرلکی به سرخوردگی زنان و اجحاف خانواده و جامعه در حق آنان اشاره می‌کند و اختیار را حداقل حق شهروندی زن می‌داند:

«این پدرمادرهای بلا تکلیف توی دهه پنجاه گیر کرده بودند بین سنت و مذهب و قرتی‌بازی. آقا می‌رود شناسنامه بگیرد که همان‌جا در مقابل چشمان کارمند اداره ثبت‌احوال حالش متحول می‌شود. عذاب وجدان بیخ ریشش را می‌گیرد که چرا داری اسم قرتی روی این طفل معصوم می‌گذاری؟ این جبر که می‌گویند شاخ و دم ندارد. این را که از همان اول در انتخاب اسمت هم نقش نداری بگیر و برو تا آخرش. آخرش هم زمانی است که هر جور بخواهند با مردهات تا می‌کنند. یا هر جا خواستند چالت می‌کنند، یا هر نوع نوشته چرت‌وپرتی روی سنگ قبرت می‌نویسند. خلاصه خواستم بگویم آدمی زاد اختیار اسم و رسم خودش را هم ندارد» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۷۲).

۳-۲-۶. اعتراف زنانه و ارتباط آن با خاطره و نوستالژی

اعتراف به ظاهر شخصی و ناپایدار است؛ اما همیشه در مادیت صدا، رنگ، متن، لباس، ریز تراشه‌ها یا مادیت بدن ریشه دارد. «اعترافات با حواس بویایی، چشایی، بساوی، بینایی یا شنوایی انسان زنده می‌شود و به شکلی رمزگذاری شده در بعضی اشیاء یا رخدادها معانی خاصی را در ذهن راوی تداعی می‌کند» (اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۴-۶۳) اعتراف با اندیشه، خیال و یادگار مرتبط است و یکی از ژانرهای ادبی مورد علاقه زن‌هاست. اعتراف، «یادآوری ارادی شرح‌حال و رویدادهای سپری شده در زمان و مکان معلوم است و در آن چگونگی وقوع رویدادها منعکس شده است.» (کمری، ۱۳۸۱: ۵۷) گفتنی است زنان بیشتر از مردان، با یادگار و نوستالژی و خاطرات خود زندگی می‌کنند. نوستالژی، گذشته‌ای است که دیگر وجود ندارد و ساختن دوباره آن ممکن نیست (همان، ۱۴۰۱: ۶۳ و ۶۴).

اعتراف‌باز، اثری برون‌گرا و عینی است؛ زیرا با توجه به آنکه حوادث قبل از هجده سالگی راوی را در برمی‌گیرد، بیشتر به جزئیات مربوط به ظاهر و بیرون پدیده‌ها، شخصیت‌ها و حوادث توجه دارد؛ هر چند در بخش‌هایی که نویسنده از غم و شادی خود می‌گوید، درون‌گرایی هم دیده می‌شود:

«تفریح من تماشای ساختن مواد مکالئوم در کارگاه آقاجون است. آقاجون عاشق مکالئوم است و این عشق می‌رود قاتی ذرات نامهربان آزیست و رنگ و پودر مل و ماسه و پخش می‌شود توی مولکول‌های هوا و می‌آید می‌نشیند روی سر و چشم و ریه و قلب من که نشسته‌ام و به قوی‌ترین دست‌های جهان نگاه می‌کنم. احتمالاً به این دلیل تا حالا آزیستوز نگرفته‌ایم که مقدار عشق موجود در این ترکیبات غلبه - می‌کند و نمی‌گذارد گردوغبار الیاف پنبه نسوز بیایند بچسبند به ریه‌هایمان. به جایش عشق می‌آید می‌چسبد به خلط ته حلق آقا، به پرزهای دماغ من» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۰۲).

۳-۲-۷. تبیین تجربیات زیسته: تجربه زیسته نویسنده، مهم‌ترین مدرکی است که اعترافات موجود در خود زندگی‌نامه‌ها به طور ویژه بر آن بنا شده است. روایت آدمی از زندگی، با رویکرد واقع‌گرایانه، وجه غالب هم‌پیوندی همه متون خود زندگی‌نامه‌نگاری است.

گاه روایت رخدادها و زندگی، با غلبه فاعلیت راوی در تجربه زیسته‌اش اتفاق می‌افتد. در این جریان، راوی با تمرکز بر فردیت خویش، درباره موضوعی کلی سخن می‌گوید. یادآوری حوادث و بازگویی تجربیات زیسته، دیگر تجربیات زیسته را نیز تداعی می‌کند. تجربیات زیسته به دلیل آنکه باید حاوی واقعیت‌های عینی و عملی و بازتاب‌های ذهنی نویسنده خود باشند، اهمیت بسیاری دارند. از این‌رو، اعتراف‌نویسی از ادبیات به سوی تاریخ حرکت می‌کند و تفکرات و جهان‌بینی نویسنده را به نمایش می‌گذارد (ر.ک. اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۸۱). تجربیات زیسته نویسنده در موارد بسیاری، اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر وی را می‌نمایاند:

«آدم به چهل سالگی که می‌رسد فکر می‌کند در برابر جسد هنوز گرم جوانی‌اش دست‌تنها مانده و خودش باید سریع دست‌به‌کار شود و همهٔ امور مربوط به کفن و دفن جنازهٔ جوانی‌اش را انجام دهد. سوگواری‌اش را بکند و برود دنبال ادامهٔ کار. چون هنوز راه‌های طی نشده‌ای مانده تا رسیدن به آن گودال. شناسنامه رحم و انصاف ندارد. یک مشت عدد بی‌عاطفه که وسط جادهٔ زندگی بی‌هوا سروکله‌شان پیدا می‌شود و همان‌جا خفت می‌کنند. دروغ می‌گویند که عدد مهم نیست. زندگی ما وابسته به اعداد است» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۱۴-۱۱۵).

۳-۲-۸. تبیین تناقضات درونی نویسنده و منشاء فردی و اجتماعی آن‌ها: در بیشتر متن‌های خودزندگی‌نامه‌ای تناقض وجود دارد و علت آن گذشته از برخی ابعاد سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و... می‌تواند به این دلیل باشد که در تجربیات زیستهٔ هر انسان، موضوعات ضد و نقیض وجود دارد (ر.ک. اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۸۱ و ۸۲). انسان، در سنین مختلف و به اقتضای شرایط خانوادگی هر دوره، تجربیات و افکار متفاوتی را تجربه می‌کند؛ بنابراین طبیعی است که نویسنده در برخی تجربیات و اعتقادات خود در سن و مقاطع مختلف فرهنگی-اجتماعی، حرف‌های ضد و نقیض زده باشد:

«به هذیان‌گویی افتاده‌ام؟ این هم بخشی از بازی اعتراف است. با دکهٔ دیلیت خودم را پاک نمی‌کنم. قرار است زشتی را ببینی. بازی من بازی تمیزی نیست. شلخته‌بازی و کثیف‌کاری دارد و من ناگزیرم به روش‌های کثافت‌کاری خودم وفادار بمانم. دارم خودزنی می‌کنم؟ بله. اقرار می‌کنم به خودزنی مازوخیستی مشغولم. همین مازوخیسم علاج‌نشده‌ای اعتراف است که مرا تا این‌جا کشانده، از کودکی تا نوجوانی، برزخی‌ترین فصل عمر، که شباهت غریبی دارد به آن یکی برزخ. یعنی برزخ چهل سالگی زنانه که تازه دارم از شیب تند دره‌اش خودم را بالا می‌کشم برای افتادن توی جادهٔ خاکی عمر و رفتن و دور شدن از این درهٔ مرگ‌بار» (همان: ۱۱۰-۱۱۱).

۳-۲-۹. انعکاس اثرپذیری هویت راوی از زمان و مکان: خانواده و اجتماع متناسب با زمان و مکانی که انسان‌ها در مقاطع مختلف زندگی تجربه می‌کنند، به آن‌ها هویت‌های متفاوتی می‌بخشند. در متون اعترافی نویسنده برای تبیین رویدادهای دنباله‌دار زندگی خود، متناسب با دورهٔ موردنظر از این گونه‌های متفاوت هویتی پرده برمی‌دارد. درواقع، توصیف دقیق مکان و زمان وقوع حادثه در خاطره‌نویسی هم نقش مهمی دارد. در این شرایط، گاه بافت لفظی و کنایی متناسب با موقعیت یا زمان موردنظر نیز پدید می‌آید و سبب می‌شود که شخص در هر برهه‌ای از زندگی خود، به واسطهٔ دیگران، القاب و هویت جدیدی پیدا کند. این موضوع ناشی از این است که در جوامع سنتی و مدرن، دربارهٔ زنان تلقی‌های بدبینانه‌ای وجود دارد، تا جایی که زن را نماد بی‌خردی و ناتوانی می‌دانند و این موضوع موجب می‌شود در خانواده یا اجتماع، به زن القاب و هویت‌هایی نادرست داده شود. گفتنی است برخی از این القاب از سوی خانواده تنها برای استهزا نیست و گاه حتی برای تحقیر است. برخی از هویت‌هایی که جامعه و گاه خانواده برای زنان به کار می‌گیرند عبارت‌اند از: «پیردختر»، «زن بیوه»، «زن کم‌عقل» یا توهین‌های طنزگونه و توهین‌های نژادی و قومیتی و در موارد بدتر، توهین‌های مستقیم و صریح (اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۸۵ و ۸۸).

زرلکی هم مطابق با مکان و زمان، برای هویت خود در هر دوره، عناوین متفاوتی داشته است که خانواده و آشنایان دربارهٔ او به کار می‌برده‌اند: «عروسک عقب‌افتاده‌ای که با باتری قلمی کار می‌کند»، «عروسک چینی»، «لری که خون مغول در رگ‌هایش جاری است»، «دختر سر به هوای پانزده‌ساله» و... :

«واخر پاییز پنجاه و چهار است و مردی که قرار است پدرم شود، از اتوبوس پیاده می‌شود و به محله‌اش می‌رسد و از کمرکش کوچه بالا می‌آید تا به آخرین خانه برسد. مردی که خسته از سفر بر می‌گردد به شدت محتاج گرما و فراموشی است. همه چیز برای یک فراموشی و بی خیالی تمام عیار فراهم است. خزیدن زیر لحاف گرم و سنگین و کرختی شیرین خستگی و خواب. خوب کاری می‌کند مامان که بی خیال دستشویی ته حیاط می‌شود و تا خود صبح یکسره زیر لحاف گرمش می‌خوابد تا نه ماه بعد در گرمای ظهر مرداد عروسک چینی را به دنیا بیاورد» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۶).

۳-۲-۱۰. خوانش بدن

در سال‌های اخیر، بدن به مثابه موضوعی مهم در پژوهش‌های اجتماعی مطرح بوده است. به دنبال اهمیت یافتن مفهوم «خود» در جامعه‌شناسی و توجه به این واقعیت که بدن، بخشی از خود است، طبیعی است که جسم بشر به منزله محصول فرهنگی بررسی شود. «بدن، سرچشمه و پایگاه شکل‌گیری گفتارهای خود زندگی‌نامه‌ای است. خود زندگی‌نگارها با واکاوی بدن به مثابه پایگاه‌های دانش و تولید آن به بررسی هنجارهایی که ارتباط بدن با مکان‌ها، رفتارها و سرنوشت‌های خاص را رقم می‌زنند، می‌پردازند» (اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۲-۱۰۱).

در روایت‌های خود زندگی‌نامه‌ای، توجه به بدن، نوعی جست‌وجو برای دستیابی به هویت است. کنترل منظم بدن، به مثابه محصولی اجتماعی-تاریخی، از جمله ابزارهای اساسی‌ای است که شخص به وسیله آن روایت معینی از هویت شخصی خود بروز می‌دهد (همان، ۱۴۰۱: ۹۵ و ۹۶).

«در این مرحله از عمر، درک من از خوشبختی همین است. اینکه در عمل شستن بدنت کسی دخالت نکند. اصلاً حواسم نیست که باز آخرش جنازه بی‌دفاعت می‌افتد زیر دست مرده‌شورهای بی‌احساس. همان‌ها که وقتی شیلنگ را گرفته‌اند روی شکمت و هی دست و پایت را مثل ران گوساله توی قصابی می‌اندازند این طرف آن طرف، درباره رنگ مو و لباس شویی قسطی حرف می‌زنند. تو افتاده‌ای آن‌جا و اصلاً عین خیالت نیست که آب شیلنگ با آن همه فشار دارد از سوراخ دماغت می‌رود توی مخت و از گوشت می‌زند بیرون» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۲۳).

«من و بچه‌های کوره‌پزخانه دست‌های پیری داریم. آن‌ها به خاطر روزی پنجاه تا خشت‌زدن و من به خاطر قضیه بی‌خاصیتی به نام ژنتیک. ژن مفصل‌های پت و پهن. ناخن‌های مربع مردانه و پوستی که هرچه کرم مرطوب‌کننده به خوردش می‌رود، زمخت‌تر می‌شود» (همان، ۸۵).

۳-۲-۱۱. رسیدن به خودشناسی نهایی همراه با واکاوی صادقانه زندگی فردی و اجتماعی

نویسندگان متون خود زندگی‌نامه‌ای، غالباً در پایان روایت، با ارائه یک نتیجه‌گیری اجمالی به خواننده نشان می‌دهند که متن اعترافی به شناخت آنان از ویژگی‌های مثبت و منفی خود منجر شده است. در این نوع روایات، راوی، از «خود» و با تمرکز بر فردیت خویش در افکار و رفتار سخن گفته است. (ر.ک. اسمیت و همکار، ۱۴۰۱: ۵۹). در «اعتراف‌باز»، نویسنده با تأمل در گذشته خویش، تنها اتفاقات را نقل نمی‌کند؛ بلکه می‌کوشد تا ضمن بازگویی تجربه زندگی خود، معنایی ورای آن بسازد و بگوید مقصود از اعتراف، تنها به عقب نگرستن و یادآوری صرف گذشته نیست؛ بلکه تجربه زیسته انسانی و حقایق ناپیدای زندگی غالباً با شرایط اجتماعی و ابعاد آن همبستگی معناداری دارد. در پایان «اعتراف‌باز»، نویسنده، به این شناخت دست می‌یابد که هنوز در مسیر اعتراف و نرسیدن از قضاوت‌ها، ناتوان و عاجز است:

«گناه بزرگ من ناتوانی است. ناتوانی در اعتراف کردن. می‌خواهم اعتراف کنم به ناممکن بودن اعتراف. هنگام نوشتن این سطرها بزرگ‌ترین اسارت زندگی‌ام را تجربه می‌کنم. چیزهایی هست که نمی‌شود نوشت.

چاره‌ای نیست باید بپذیرم که در حال غرق شدن در بحر بی‌کرانهٔ اعتراف‌بازی‌ام. آدم را می‌کشد توی خودش و غرق می‌کند برای هیچ و پوچ. مرگی پاک در راهی پوک. تقلای بی‌ثمری است. چیزی دست آدم را نمی‌گیرد که هیچ، تازه ممکن است آبروی داشته نداشته‌ات هم بر باد برود. من ابله تازه فهمیده‌ام که نمی‌شود همه‌چیز را به بازی گرفت. باید همه‌چیز را بدانی. بدانی که من مردد و درمانده‌ام. مانده‌ام بنویسم یا ننویسم» (همان: ۱۸۲).

۳-۱. ویژگی‌های ساختاری و محتوایی/اعتراف‌باز زرلکی

زرلکی در *اعتراف‌باز* برخلاف عرف مرسوم با صراحت کامل دربارهٔ بدن خویش سخن می‌گوید و تجارب خود را در برخورد و مواجهه با اندام‌های زنانهٔ خویش بیان می‌کند. وی با وارد کردن این تجارب در اثر خویش، شالودهٔ این ذهنیت رایج اجتماعی را که موضوعات زنانه نباید به صورت علنی بیان شوند، در هم شکسته است؛ به گونه‌ای که گویا با افزایش اهمیت قائل شدن برای خود «که بیشتر محصول جامعهٔ مدرن است، بدن به عنوان ظاهری‌ترین حامل خود، جایگاه ویژه‌ای یافته است. تأکید بر بدن به مثابهٔ یک تصویر، نشان‌گر شکل‌های مدرن تمایز و تشخیص اجتماعی شده است» (کیوان‌آرا، ۱۳۸۶: ۷۸).

«بعد از روزی که خون از زیر شکم زن حامله راه می‌افتد و می‌رود به طرف چاهک، مامان دیگر به قوز کردن من و ترسان و لرزان راه رفتنم توی حمام گیر نمی‌دهد. برای همین با خیال راحت نقشه می‌کشم برای زن شدن. در جمعه‌ای شلوغ و خرتوخر، با ژلیت دسته‌نقره‌ای قشنگی که در رختکن پیدا کرده‌ام، مثل یک پیرزن قوزی زبل، تند و فرز می‌روم توی اتاقک دوش آخری. ژلیت را از مچ پا می‌کشم تا زانو. کرک‌های سیاه غیب می‌شوند. دست می‌کشم به ساق پایم و کیف می‌کنم. جلد تازه‌ام را نگاه می‌کنم. خوشحالم و به عواقب این همه زیبایی فکر نمی‌کنم» (زرلکی، ۱۴۰۰: ۱۲۱).

همچنین زرلکی عوامل شخصی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و... را که موجب ناخشنودی زن از دنیای پیرامون و جهان مردسالارانه می‌شود، در نوشته‌اش بازتاب می‌دهد:

«هیچ‌وقت آدم‌های فعال را نفهمیده‌ام. همان‌ها که به اندازهٔ کافی پول دارند تا نمیرند؛ اما باز سگ‌دو می‌زنند تا دوزار بیشتر توی بانک ذخیره کنند. من آدم تنبلی هستم و برای انجام دادن کارهای عادی روزانه‌ام به انگیزه‌های قدرتمندی از جنس عشق و این دری‌وری‌ها نیاز دارم. اگر در شبانه‌روز حداقل بیست‌وپنج بار به خودم تلقین نمی‌کردم که تو نویسنده‌ای؛ هیچ‌وقت چیزی نمی‌نوشتم. همیشه زمانی برای زندگی انگلی (به معنای هیچ کاری نکردن و کیف کردن) در نظر می‌گیرم» (همان: ۵۵-۵۶).

از دیگر موضوعاتی که زرلکی در اعترافات خود به آن توجه کرده، تأکید بر سکوت اجباری است که زنان آن را به عنوان سلاحی تنبیهی به کار می‌گیرند؛ از این رو بارها نویسنده، از سکوت تحمیلی خود که ناشی از فرهنگی است که زنان را از حرف‌زدن منع کرده است در اعترافاتش سخن می‌گوید:

«لال می‌شوم. سکوت به‌صرفه‌ترین روش تنبیه آدم‌هاست. صدایی توی سرم حرف می‌زند: صدایت را از آن‌ها بگیر. از آبروبرها. از زورگوها. نگاه کن چطور سر شام در سکوت سنگین و لابه‌لای صدای ترسناک مجری اخبار سرفه می‌کنند و قاشق به بشقاب می‌کشند. چیزهای بهتر و حرف‌های خنده‌دارتر و یواشکی‌تر را برای خودت نگه دار» (همان: ۱۳۰).

موضوع دیگری که در *اعتراف‌باز* جلوهٔ خاصی یافته است، رؤیاهای ذهنی نویسنده است؛ رؤیاهای خلاف واقعیت که بر اساس تصورات مثبت یا منفی نویسنده شکل گرفته‌اند؛ چون زرلکی نیز مثل زنان دیگر به رمزگشایی خواب و رؤیا اعتقاد دارد و درصدد کشف معنای آن‌ها برمی‌آید:

«من به احتمال مرگ نزدیکانم فکر می‌کنم. مُردن طرف را با همه جزئیات زنده تجسم می‌کنم و آن قدر تخیلم را پروبال می‌دهم که ناگهان خودم را با لباس سیاه وسط مراسم ختم می‌بینم. این جریان ذهنی مرده‌پنداری را تا جایی پیش می‌برم که به یاد همه خاطرات مشترکی که با متوفی داشته‌ام، گریه می‌کنم. اصولاً خبر مرگ برایم خبری تکان‌دهنده نیست. من تکانم را قبلاً خورده‌ام و مراسم عزاداری‌ام را به‌طور خصوصی برگزار کرده‌ام» (همان: ۱۰۴).

از دیگر موضوعاتی که زرلکی در *اعتراف‌باز* به آن توجه کرده، بیان پیشینه تاریخی، خانوادگی و سنن و فرهنگ زندگی شخصی خویش است؛ بدون اینکه به مسائل روز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بپردازد:

«آقا، اصرار دارد بگوید اراکی است، به این دلیل که آن ناکجاآباد با آن حمام سقف‌گنبدی در مرز لرستان و اراک است و به اراک کمی نزدیک‌تر و شناسنامه‌ات هم که صادره از اراک باشد کافی است خودت را بچسبانی به اراک. آن ناکجاآباد اسمش گوردراز است. همه عمر اسمش را قايم کرده‌ام از دوست و آشنا. تپه باستانی هزارساله برای من مایه شرمندگی است تا اینکه - پانزده سال پیش - زلزله ویرانش می‌کند و راحت می‌شوم، لابد. میراث فرهنگی خیلی دیر یادش می‌افتد سراغ گور خالی برود و آن تپه کنار آبادی را به نام همان آدم دراز نامگذاری کند. حالا گوردراز توی لیست هفتاد و دو تپه باستانی ایران است» (همان: ۲۴-۲۵).

از نظر محتوایی در *اعتراف‌باز*، فقدان ارتباط عاطفی میان زن و شوهر، نادیده گرفته شدن زن در زندگی خانوادگی و تنهایی زنانه بازتاب یافته است. زرلکی نشان داده که ایدئولوژی حاکم بر گفتمان سنتی، زن را موجودی منفعل، تحت سلطه، فداکار و مطیع تعریف کرده؛ اما او با انتقادهای مستقیم و غیرمستقیم و جملات طعنه‌آمیز، مخالفت خود را با این گفتمان نشان داده است. در *اعتراف‌باز*، مادر، بر خلاف گفتمان رایج، خستگی‌ناپذیر معرفی نمی‌شود؛ بلکه نویسنده، مادر را انسانی عادی می‌بیند که می‌تواند از فرزند خود خسته شود و زمانی از گفتمان مادر فداکار و خستگی‌ناپذیر خارج شود؛ چنانکه زرلکی درباره کار خود در حق پسرش، کیان این‌گونه اعتراف می‌کند:

«کرم درونم می‌گوید یک چهارم کلونازپام که چیزی نیست. با شیرش می‌خورد. چهار ساعت تمام من و بچه‌گره قشنگم تخت می‌خوابیم کنار هم. یک شیشه کامل می‌خورد و تمام. کاهن بودایی شکم‌گنده سیر شده. تکیه داده به پایه میز و می‌خندد. با عشق مادری - که می‌گویند غریزی است و نیست - نگاهش می‌کنم و کیف می‌کنم. نقشه‌ام گرفته. دست زده‌ام زیر چانه و کمین کرده‌ام. نیم‌ساعت می‌گذرد. نگاهش می‌کنم که تلوتلوخوران می‌چرخد وسط هال. کلافه است از این سنگینی سر. جیغ می‌کشد. استفراف می‌کند. فحش ناجور می‌دهم به این قرص لعنتی که نصفش می‌تواند یک آدم گنده را کله‌پا کند؛ اما این بچه‌گره هفت کیلویی را بی‌قرار کرده... تا شب به همه آدم‌های بیمارستان دروغ می‌گویم:

- جعبه داروها دم دست بوده. برداشته خورده.

- چند تا؟

- نمی‌دونم ولی فکر کنم فقط یک نصفه بوده که افتاده رو زمین.

دروغ را باور می‌کنند. اگر مثل بز تو چشم‌شان نگاه می‌کردم و می‌گفتم خودم داده‌ام تا چند ساعت بخوابیم، ممکن بود باور نکنند. کدام دکتر ابلهی باور می‌کند مادر به بچه‌اش کلونازپام بدهد؟» (همان: ۶۳-۶۴).

افزون بر اهمیت محتوایی نوشته‌های زرلکی در *اعتراف‌باز*، ویژگی‌های ساختاری سخن وی نیز برجستگی‌های خاصی دارد که جایگاه این اثر را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند.

اصلی‌ترین ویژگی نوشتار زرلکی در *اعتراف‌باز*، انتخاب زبانی ساده، صمیمی، عامیانه و از همه مهم‌تر زاویه دید اول شخص است که او برای نگارش اعترافات خود و بیان بسیاری از جنبه‌های ناپیدای زندگی خود به کار گرفته است. انتخاب زاویه دید اول شخص، هم مبین نگرش‌های زنانه زرلکی است، هم اعتماد خواننده را به صادقانه‌گی متن و درستی

وقایع بیشتر جلب می‌کند. اعتراف از زبان راوی اول شخص که قهرمان ماجراهاست، بیان می‌شود و داشتن هر دو نقش راوی و قهرمان برای نویسنده باعث می‌شود او محدودیت‌هایی چون ناتوانی در تشریح عقاید و خصوصیات درونی را نداشته باشد و در نتیجه مخاطب را بیشتر جذب کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ساختاری اعتراف‌باز، جزئی‌نگری زرلکی در توصیفات خود و تبیین حوادث است که تا اندازه زیادی حاصل زنانگی اوست. توجه زرلکی به جزئیات در *اعتراف‌باز* تا جایی پیش رفته است که خواننده می‌تواند بر اساس نوشته‌های وی تمام جزئیات حوادث را در ذهن خود تصور کند و به مرحله هم‌ذات‌پنداری با نویسنده برسد: «پیش مامان خوابیده‌ام. سرمان روی یک بالش است. مامان چادر گل‌گلی چلوارش را انداخته رویش و چشم‌ها را بسته. عqlم نمی‌رسد که به هر چشم‌پسته‌ای نمی‌شود اعتماد کرد؛ همان‌طور که به هر زبان‌بسته‌ای. هوا گرم است. یک دل سیر ناهار خورده‌ایم و حالا اتاق نشیمن، در سکوت بعد از ناهار و صدای آرام‌بخش پنکه، بهشتی امن و امان است...» (همان: ۴۲).

از دیگر ویژگی‌های ساختاری نوشته‌های زرلکی که آن هم با شخصیت و نوشتار زنانه او مرتبط است، استفاده فراوان از ساختارهای پرسشی در جملات است؛ هدف زرلکی از طرح پرسش‌های پیاپی و کاربرد فراوان وجه پرسشی در کلام، اثرگذاری بیشتری بر مخاطب و وادار کردن وی به تأمل و درنگ بیشتر درباره سخنان اوست:

«جویدن ناخن یا گوشت کنار ناخن کیف دارد؟ حتماً کیف دارد که میلیون‌ها آدم در سراسر دنیا گرفتار اعتیاد ناخن جویدن‌اند. به کجای جهان برمی‌خورد این لذت چندش‌آور غیرقابل درک؟» (همان: ۱۶۶).

کاربرد واژه‌ها و قیودی؛ مثل «شاید»، «خب»، «اگر»، «ممکن است» و... نشانه شک و تردید نویسنده نسبت به موضوعی است؛ وقتی نویسنده طبق باور و گفتمان سنتی، خود را پایین‌تر از مرد می‌داند و نمی‌تواند با قطعیت درباره چیزی نظر بدهد و حتی اگر نظر بدهد، مشخص نیست بتواند دیگران را اقناع کند تا نظر او را بپذیرند، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند با قطعیت درباره آن نظر بدهد:

«این فصل را نخواندی هم نخواندی. من آزاد نیستم که ننویسم، اما تو آزادی که نخوانی. خب حالا چطور در این تونل تاریک بدون اکسیژن نفس بکشم؟ خود حفر کرده را تدبیر نیست. باید واقعیت را بپذیرم. دچار بازی خودم شده‌ام. دستی دستی خودم را بازیچه یک شوخی کرده‌ام که وبال گردنم شده. از شما چه پنهان وقت جارو کردن خانه یا شب‌ها توی رخت‌خواب مدام از زن دردسرساز درونم می‌پرسم: خب حالا که چی؟ مثلاً که چی بشه؟ آخرش چی؟» (همان: ۱۰۷).

بدین ترتیب با بررسی محتوای *اعتراف‌باز* زرلکی و موضوعاتی که او در ضمن اعترافات خویش عرضه کرده است، می‌توان گفت این کتاب در تبیین موضوعات اجتماعی و فرهنگی مرتبط با زنان و خانواده در دوره زمانی و ساختار فرهنگی و اجتماعی که زرلکی تا هجده سالگی خود را در آن سپری کرده است، نقش مهمی دارد که البته ویژگی‌های ساختار متناسب با این محتواها که تحت تأثیر زنانه‌نویسی نویسنده است؛ نیز در بازنمایی این موضوعات بسیار اهمیت دارد.

۳. نتیجه‌گیری

با بررسی مؤلفه‌های ادبیات اعترافی در کتاب *اعتراف‌باز* زرلکی که دربردارنده جزئیات پنهان زندگی شخصی نویسنده است، نتایج زیر به دست آمد:

از بین مؤلفه‌های ادبیات اعترافی، به‌کارگیری روایت اعترافی و برقراری ارتباط بین آن‌ها با واقعیت‌های تاریخی؛ ارزیابی مداوم «خود» و تأثیر خانواده و شرایط اجتماعی در شکل‌گیری «خود»؛ جزئی‌نگری و قصه‌گویی؛ بیان جنبه‌های پنهان

زندگی و رویکرد انتقادی نسبت به برخی واقعیت‌های فردی و اجتماعی؛ تبیین عقاید، سنن و مسائل فرهنگی- اجتماعی؛ اعتراف‌نویسی زنانه و ارتباط آن با خاطره و نوستالژی؛ تبیین تجربیات زیسته؛ تبیین تناقضات درونی نویسنده و منشأ فردی و اجتماعی آن‌ها؛ اثرپذیری هویت راوی از زمان و مکان؛ خوانش بدن و در پایان رسیدن به خودشناسی نهایی همراه با واکاوی صادقانه زندگی فردی و اجتماعی در *اعتراف‌باز* یافت شد.

مخاطب در *اعتراف‌باز* زرلکی افزون بر حقیقت عریان زندگی زرلکی تا هجده سالگی وی که شاید حقیقت محض نباشد، به موضوعات اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با زنان در دوره زمانی نگارش اعترافات نیز پی می‌برد؛ از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: سخن گفتن از بدن و اندام‌های زنانه که در عرف، مرسوم نیست؛ بیان عوامل شخصی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی که موجب ناخشنودی زنان از سلطه مردانه می‌شود؛ سکوت تحمیلی به عنوان ابزار تنبیه و مجازات، توجه به اصالت و پیشینه تاریخی خانوادگی و سنت‌های فرهنگی بدون توجه به موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی؛ فقدان ارتباط عاطفی بین زن و شوهر و نادیده‌گیری حق زنان.

استفاده از زبان ساده، صمیمی، محاوره‌ای و حتی عامیانه برای جذب مخاطب و اقناع وی؛ به کارگیری زاویه دید اول شخص و شیوه راوی- قهرمان برای جلب اعتماد بیشتر مخاطب نسبت به صداقت مدعاهای وی؛ کاربرد قابل ملاحظه قیود و واژه‌های مبتنی بر شک و تردید که نشانه بی‌اعتمادی نویسنده بر پذیرش دیدگاه‌های او از طرف مخاطب است به سبب گفتمان‌های رایج و باورهای پذیرفته‌شده سنتی برتری مرد بر زن؛ استفاده از ساختار پرسشی و وجه پرسشی برای تأثیر بیشتر بر مخاطب و برانگیختن وی به درنگ و دقت بیشتر درباره سخنان وی؛ جزئی‌نگری بسیار زیاد در توصیفات و ذکر وقایع به هدف تجسم‌بخشی به وقایع و هم‌ذات‌پنداری مخاطب، از ویژگی‌های ساختاری است که زرلکی برای اثربخشی اعترافات خود به کار گرفته است که البته نوشتار زنانه نویسنده نیز بر آن بسیار اثرگذار بوده است.

از آنجاکه روایت اعترافی، بیانگر حقایق و جزئیات پنهان زندگی نویسنده است، بدیهی است که سیر روایت در اعتراف‌باز زرلکی نیز با کشمکش‌ها و تناقضات درونی همراه باشد؛ زیرا رخداد‌های زندگی حقیقی هر انسان با تعارضات و تناقضات بسیاری روبه‌روست. روی‌هم‌رفته می‌توان گفت شهلا زرلکی با به کارگیری صحیح مؤلفه‌های اعترافی، انعکاس موضوعات اجتماعی و فرهنگی مرتبط با زنان و ویژگی‌های ساختاری متناسب برای تبیین این موضوعات به‌ویژه انتقال حس صداقت و صمیمیت به مخاطب به عنوان بارزترین ویژگی ادبیات اعترافی توانسته اثری شایسته در ادبیات اعترافی فارسی بیافریند که مخاطبان بسیاری را به خود اختصاص داده است.

منابع

- اسلامی، مهدی (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه زندگی‌نامه‌های خودنوشت در ادبیات فارسی و ادبیات مغرب زمین (با تأکید بر زندگی‌نامه‌های خودنوشت دوره قاجاریه و زندگی‌نامه خودنوشت راسل و یونگ)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نام راهنما و مشاور، دانشگاه قم.
- اسمیت، سدونی؛ واتسون، جولیا (۱۴۰۱). *ادبیات من «راهی به فهم خودزندگی‌نگاری و روایت‌های شخصی»*، ترجمه رؤیا پورآذر، چاپ دوم، تهران: اطراف.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶). «عنوان مدخل»، در جلد دوم *دانشنامه ادب فارسی*، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). *درآمدی بر تحلیل گفتمان*، مندرج در مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمدرضا تاجیک، تهران: فرهنگ گفتمان.
- بهشتی، سیدعلیرضا؛ توانا، محمدعلی (۱۳۸۶)، «فرایند شکل‌گیری خود روایی در اعترافات سنت آگوستین»، *نامه فلسفه*، شماره ۲ (۶۲)، ۹۳-۱۱۶.
- بی‌نیاز، فتح‌اله (۱۳۸۶). *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*، تهران: افراز.

- دسپ، سیدعلی؛ همکاران (۱۳۹۱)، «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد؛ تحلیلی بر پایهٔ سبک‌شناسی فمینیستی»، *نقد ادبی*، (۱۸): ۵، ۱۱۹-۱۵۲. (نام همکاران به طور کامل ذکر شود)
- دهقان‌نژاد، فاطمه؛ قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۴۰۰). «مؤلفه‌های رمان اعترافی در دکتر نون زرش را بیش از مصدق دوست دارد»، *پژوهش‌های ادبی*، (۷۳): ۱۸: ۳۱-۶۲.
- ذوالفقارخانی، مسلم (۱۳۹۸). «بازتاب بن‌مایه‌های اعتراف و حسب‌حال در شعر انگلیسی و فارسی: بررسی سروده‌هایی از رابرت لول و سهراب سپهری»، *پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان*، (۱): ۲۴: ۱۱-۹۵.
- زرلکی، شهلا (۱۴۰۰). *اعتراف‌باز*، چاپ سوم، تهران: ققنوس.
- سولومون، رابرت (۱۳۷۹). *فلسفهٔ اروپایی طلوع و افول خود*، ترجمهٔ سعید حنایی کاشانی، تهران: قصیده.
- سیدی، سیدحسین؛ طلایی، محمدکاظم (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی اعترافات روسو، غزالی و آگوستین، *ادبیات تطبیقی*، (۵): ۳: ۱۷۳-۱۹۶.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). *انواع ادبی*، چاپ نهم، تهران: فردوس.
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۸). «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم»، *زبان و ادب پارسی*، شمارهٔ ۴۲: ۸۷-۱۰۷.
- قربانی، خاور و اسلامی، ادریس (۱۳۹۱)، «جایگاه نوع ادبی اعترافات در ادبیات فارسی با تکیه بر *المنقذ من الضلال* غزالی با *اعترافات آگوستین*»، *ادبیات تطبیقی*، (۷): ۴: ۱۴۹-۱۷۴.
- کادن، جی ای (۱۳۸۰). *فرهنگ ادبیات و نقد*، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران، شادگان.
- کمری، علیرضا (۱۳۸۱). *درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های پارسی در تاریخ ایران*، تهران: سورهٔ مهر.
- کیوان‌آرا، محمود (۱۳۸۶). *اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی*، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶). *جهان‌داستان*، تهران: اشاره.
- میلز، سارا (۱۳۸۸). *گفتمان*، ترجمهٔ فتاح محمدی، زنجان: هزارهٔ سوم.
- Cohn, Dorrit. (1984). *Transparent Minds: Narrative Modes for presenting Consciousness in fiction*. Princeton: Princeton University Press.
- Mills, Sara. (2005). *Feminist Stylistic*. Second ed. Published in the Taylor & Francis e- library